

بهار

بررسی جنبه‌های
موسیقی در شعر

درس هفتم ادبیات سال چهارم
رشته عمومی

صابر معصومی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و سرگروه ادبیات فارسی شهرستان خلخال

چکیده

کلام موزون و آهنگین مبین احساسات و عواطف بشری و نشانگر پیوند دیرینه شعر با موسیقی است. آنچه شعر را از زبان روزمره و متداول متمایز می‌سازد، توازن و آهنگ است که از آن با نام موسیقی شعر یاد می‌کنند و موجب تشخیص واژه‌ها در نظام زبان می‌گردد.

عوامل متعددی که موجب تمایز و تشخیص واژه‌ها در شعر می‌شوند از جهات مختلف قابل بررسی هستند؛ گاهی طرز قرار گرفتن واژگان، صامت‌ها و مصوت‌ها در شعر، آهنگی را به وجود می‌آورد که به آن وزن یا موسیقی بیرونی می‌گوییم. اهمیت موزون بودن کلام در

مقدمه

شعر حافظ خوان رنگین الفاظ و معانی است. دُرَج ناگشوده‌ای است که جواهر ظواهر الفاظ و معانی در زوایای پنهان آن درج گردیده است. زمانی که سخن از شعر حافظ به میان می‌آید، دل در تب و تاب می‌افتد که کدامین گوهر الفاظ او را با ترازوی عقل و ذهن خود بسنجیم. ما با بضاعت مزجات خویش سر به بازار گرم شعر حافظ زدیم تا متاع سخن را به سوداگران دلباخته او عرضه نماییم. بی‌شک، حافظ نگین درخشان شعر و ادب فارسی است و سخنش محاسن لفظی و معنوی بسیاری را در خود جمع کرده است. به قول علامه قزوینی، «حافظ نسبت به کلیه ستارگان

زبان شعر از مختصات بر خوردار است که مجموع آن را می‌توان موسیقی شعر نامید

قدر اول شعر در حکم آفتاب درخشان است نسبت به سایر نجوم آسمان؛ چنان که شاعر عرب گوید:

هی الشمس حسناً و النساء کواکب

اذا طلعت لم یبد منه کواکب (غنی، ۱۳۸۳: ۱۰).

در واقع، راز عظمت و نبوغ شگفت‌آور حافظ این است که وی جمیع محسنات لفظی و معنوی را در غزلیات زیبا و دلکش خود بر اریکه فصاحت و بلاغت نشاند و همین امر یکی از عوامل تمایز وی از دیگر شاعران گردیده است؛ هر چند عوامل دیگری نیز در این امر دخیل‌اند که بیان آن در این مجال و مقال نمی‌گنجد.

آنچه زبان فخیم شعر را از زبان متداول متمایز می‌سازد، آراسته شدن آن به زیور فصاحت و بلاغت همراه با اوزان مطبوع و آهنگ دلنشین می‌باشد. در رویکرد علمی، همواره سعی بر آن است که علاوه بر جنبه‌های توصیفی و نظری زبان، ویژگی‌های دیگر آن از جمله ویژگی‌های عاطفی مورد بررسی قرار گیرد؛ گرچه این ویژگی در زبان شعری به نحو شگفت‌آوری موج می‌زند و مخاطب آن در فضای عاطفی قرار می‌گیرد. براین اساس، گرایش عموم اذهان و افکار در پرداختن به مسائل ادبی بیشتر معطوف

این است که خواننده را در فضای عاطفی قرار می‌دهد و تأثیر شگرفی بر مخاطب می‌گذارد. در واقع، احساس مشترکی که بین شاعر و مخاطب پدید می‌آید، برخاسته از همین موزون بودن کلام است. گاهی نیز عامل تمایز شعر از زبان روزمره، «ردیف» و «قافیه» است که از آن به عنوان موسیقی کناری یاد می‌شود. همچنین است به کارگیری برخی از واژه‌ها از لحاظ روابط معنایی نظیر حسن تعلیل، اغراق، تشبیه و ... که به موسیقی معنوی منجر می‌گردد و گاهی نیز واژگان از لحاظ لفظی با یکدیگر ارتباط دارند؛ نظیر جناس، تکرار، تناسب و ... که به آن موسیقی درونی می‌گویند.

در این مقاله بر آنیم جنبه‌های موسیقایی شعر «بهار عمر» را از کتاب سال چهارم دبیرستان - که مشترک برای کلیه رشته‌هاست - بررسی کنیم.

کلیدواژه‌ها: موسیقی شعر، شعر حافظ، بهار عمر، موسیقی معنوی، موسیقی کناری

به زبان شعری است.

زبان شعر از مختصات بر خوردار است که مجموع آن را می توان موسیقی شعر نامید. در تعریف موسیقی شعر آمده است: «مجموعه عواملی که زبان شعر را از زبان روزمره، به اعتبار بخشیدن آهنگ و توازن، امتیاز می بخشند و در حقیقت از رهگذر نظام موسیقایی سبب رستاخیز کلمه ها و تشخص واژه ها در زبان می شوند، می توان گروه موسیقایی نامید.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۷-۸).

پیوند و ارتباط شعر و موسیقی را باید در فطرت آدمی جست و جو کرد؛ اینکه بشر از آغاز در دعاها و زمزمه ها به دنبال لحن و آهنگ بوده است، نشانی از شعر گونگی آن ها دارد. «عواملی که آدمی را به جست و جوی موسیقی می کشانده است، همان کشش هایی است که او را وادار به گفتن شعر می کرده است و پیوند این دو سخت استوار است؛ زیرا شعر در حقیقت موسیقی کلمه ها و لفظ ها است» (همان منبع: ۴۶).

صاحب نظران در موضوع موسیقی و عوامل به وجود آورنده آن، چهار نوع موسیقی برای شعر بر شمرده اند: موسیقی بیرونی، موسیقی کناری، موسیقی درونی و موسیقی معنوی. در این نوشتار به بررسی جنبه های موسیقایی شعر «بهار عمر» از کتاب زبان و ادبیات فارسی سال چهارم متوسطه کلیه رشته ها می پردازیم.

الف) موسیقی بیرونی

آنچه در تعریف موسیقی شعر گفته شد، یکی وجود توازن و آهنگ کلام است که زبان شعری را از زبان روزمره متمایز می سازد. موسیقی بیرونی همان آهنگ کلام است که از طریق هم نشینی واژگان، آهنگ خاصی در شعر به وجود می آید. در اینجا به دو تعریف وزن اشاره می کنیم: «وقتی مجموعه آوایی به لحاظ کوتاه و بلندی مصوت ها یا ترکیب صامت ها و

مصوت ها از نظام خاصی برخوردار باشد، نوعی موسیقی به وجود می آید که آن را وزن می نامیم» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۹). وزن نوعی تناسب است و تناسب کیفیتی است که حاصل آن دریافت وحدت است بین اجزای متعدد، که اگر در مکان واقع شود به آن قرینه می گویند و اگر در زمان واقع شد، وزن نامیده می شود (خانلری، ۱۳۸۰: ۲). در واقع، موسیقی بیرونی اولین پل

ارتباطی شاعر با مخاطب است؛ بدین ترتیب که با خواندن شعر اولین چیزی که به گوش می خورد، تناسب و تکرار هجاهاست و شنونده تحت تأثیر این تناسب قرار می گیرد. در این غزل نیز موسیقی حاصل از ترکیب صامت ها و مصوت ها یافت واحد و هماهنگی را به وجود آورده است که طبق نظر عروضیان بحر مضارع می باشد؛ یعنی از ترکیب بحر هزج و رمل، این بحر به وجود آمده و ارکان آن بدین صورت است: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات (بحر مضارع مثنی اخرب مکفوف مقصور).

ای خرم از فروغ رخت لاله زار عمر
باز آ که ریخت بی گل رویت بهار عمر

این مجموعه آوایی در همه ابیات غزل جاری است و می توان با تقطیع هجایی، ارکان به دست آمده را مشاهده و احساس کرد. خسرو فرشیدورد با توجه به کار آماری مسعود فرزند روی اوزان فارسی، پرکاربردترین اوزان را زیباترین آن ها می داند و معتقد است: «سه وزن فاعلاتن فعلاتن فاعلات، مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات و مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلات زیباترین وزن های شعر فارسی هستند؛ از این رو بهترین قصاید و غزلیات و قطعات بر این سه وزن آمده اند.» (فرشیدورد، جلد دوم، ۱۳۷۸: ۵۷۵) این نکته در باب حافظ به خوبی مصداق پیدا می کند و براساس آماری، حدود ۱۸/۷۱ درصد از کل دیوان وی در بحر مضارع می باشد (۱).

محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب ارزشمند «موسیقی شعر» می گوید: «پس از عاطفه که رکن معنوی شعر است، بهترین عامل و مؤثرترین نیروها از آن وزن است. چرا که تخیل یا تهییج عواطف بدون وزن، کمتر اتفاق می افتد و اصولاً توقعی که آدمی از یک شعر دارد، این است که بتواند آن را زمزمه کند و علت اینکه یک شعر را بیش از یک قطعه نثر می خوانند، همین شوق به زمزمه و آواز خوانی است که در ذرات او نهفته است؛ چون وزن نشاط و شوقی در شنونده برمی انگیزد که صورت های ذهنی را جان و جنبشی می بخشد و از آن حالتی بدیع در نفس پدید می آورد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۴۷).

ادامه مطلب در وبگاه مجله

صاحب نظران در موضوع موسیقی و عوامل به وجود آورنده آن، چهار نوع موسیقی برای شعر بر شمرده اند: موسیقی بیرونی، موسیقی کناری، موسیقی درونی، و موسیقی معنوی

ای	خُر	رَ	مَز	فُ	رو	غ	رُ	خَت	لا	لِ	زا	ر	عمر
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	U
با	زا	کِ	ریخت	بی	کُ	لِ	رو	یَت	بَ	ها	ر	عمر	
مفعول				فاعلات				مفاعیل				فاعلات	